نیویورک تایمز درس‌های جنگ با ایران را برشمرد و تصریح کرد:

آمریکا بازنده‌ای جنایتکار و روبه‌افول است

بیایید فعلاً فرض کنیم که جنگ ایران واقعاً به پایان رسیده است؛ اینکه به «یادداشت تفاهم» احترام گذاشته خواهد شد، اسرائیل به حملات خود علیه لبنان پایان خواهد داد و ایران از کنترل نظامی بر تنگه هرمز دست خواهد کشید. شاید این پیش‌بینی چندان مطمئنی نباشد. اما اگر جنگ تمام شده باشد، واقعاً چه نوع جنگی بود؟ این درگیری به عنوان یک نمایش نسبتاً آشنا از قدرت هوایی آمریکا و اسرائیل آغاز شد؛ بسیار گسترده‌تر و معطوف به دشمنی بسیار جدی‌تر، اما نه چندان متفاوت از حملاتِ ازراه دوری که در تاریخ نظامی اخیر آمریکا به طرز ناخوشایندی رایج بوده است. بین دومین مراسم تحلیف پرزیدنت ترامپ و شلیک‌های آغازین «عملیات خشم حماسی» در اواخر فوریه، ایالات متحده حملات نظامی متعددی را علیه هفت کشور انجام داد که شامل حملات «جنگ دوازده روزه» علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵ نیز می‌شد (البته بدون در نظر گرفتن ده‌ها حمله غیرقانونی و اکثراً غیرقابل توضیح به قایق‌ها در دریای کارائیب که بیش از ۲۰۰ کشته بر جای گذاشت). بین ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا آغاز جنگ در ایران، ایالات متحده کارزارهای بمباران را علیه ۱۰ کشور و حداقل ۲۰ مورد از آنچه مرکز عدالت برنان (Brennan CenterforJustice) «جنگ‌های مخفی» می‌نامد، پیش برد. اگر آمریکایی‌ها اصلاً این رویدادها را به خاطر بیاورند، معمولاً از آن‌ها به عنوان اقدامات ضربتیِ سریع و فوران‌های کوتاه‌مدتِ هژمونی آمریکا یاد می‌کنند. اما به عنوان مثال، ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ در لیبی بیش از ۵۰۰۰ سورتی پرواز، از جمله بیش از هزار پرواز بمباران انجام داد و سپس در سال ۲۰۱۵ کارزار هوایی دیگری را در این کشور علیه داعش آغاز کرد که چهار سال به طول انجامید. ما تقریباً هر سال و به مدت حدود دو دهه، در حال بمباران یمن بوده‌ایم.

اکثر این کارزارهای بمباران نتایج مبهمی به همراه داشتند که می‌توانست یک ارتشِ اهل تأمل‌تر را متواضع کند و به فکر وادارد. اما مناقشه ایران با یک نتیجه بسیار قاطعانه‌تر پایان یافت؛ شکستی واقعی و یک عقب‌گرد استراتژیک را به ایالات متحده تحمیل کرد و فعلاً با یک توافق نامه پر از امتیازاتی خاتمه یافته است که رئیس جمهور پیش از آغاز درگیری هرگز زیر بار آن‌ها نمی‌رفت؛ توافقی که حتی پر سر و صداترین تندروهای ضد ایران نیز کاملاً آشکارا آن را به عنوان یک باج‌دهیِ رقت‌انگیز محکوم می‌کنند.

در این میان، ما شاهد چیزی بودیم که شبیه به یک نوع جنگ کاملاً جدید به نظر می‌رسید. یکی از ویژگی‌های بدیع آن، محوریت پهپادهای ارزان قیمت بود و روشی که آن‌ها مزیتِ قدرت‌های بزرگ را کاملاً زیر و رو کردند.

اما ویژگی دیگر، تبدیل سریع یک جنگِ گرمِ واقعی به نوع جدیدی از نبرد ترکیبی (هیبریدی) بود که تحت سلطه فشارهای اقتصادی قرار داشت و تنها گاه به گاه با حملات واقعی همراه می‌شد. حتی در گذشته نه چندان دور، تحریم‌ها و جنگ تجاری ابزارهایی بودند که در مراحل اولیه تشدید تنش و پیش از استقرار نیروهای نظامی استفاده می‌شدند و معمولاً هدفشان جلوگیری از یک جنگِ تمام‌عیار بود. در ایران، تشدید تنش روند متفاوتی را طی کرد؛ به طوری که درگیری از حوزه نظامی فراتر رفت و وارد چیزی شد که شبیه به بازیِ مهمِ ترِ «گروگان‌گیری اقتصادی» بود.

در ادامه به شش درس دیگری که این جنگ به ما آموخت اشاره می‌کنیم:

۱. بازارهای نفت و گاز بسیار تاب‌آورتر از پیش‌بینی‌ها نشان دادند. همین یک ماه پیش، فاتح بیرول، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، این جنگ را «بزرگترین بحران انرژی در تاریخ» نامید. اما با نگاهی به بازارهای نفت، واقعاً هیاهوی خاصی دیده نمی‌شد. قیمت بالا رفت، اما تنها به اندازه‌ای که بلافاصله پس از حمله روسیه به اوکراین رخ داده بود. برای هفته‌های متمادی، تحلیلگران نفتی نسبت به قطع ارتباط عظیم بین قیمت قراردادهای آتی نفت و کمبود واقعی ناشی از بسته شدن تنگه هرمز هشدار می‌دادند –ووعده می‌دادند که به زودی زمان حسابرسی فرا می‌رسد، قیمت‌ها منفجر می‌شوند و آشفتگی اقتصادی به دنبال آن خواهد آمد.

این جنگ بازارهای نفت و گاز را مختل کرد و این آشفتگی هنوز تمام نشده است. در سراسر آسیا پیامدهای واقعیِ فلج‌کننده‌ای وجود داشت؛ کمبود سوخت، کند شدن فعالیت کارخانه‌ها و کاهش روزهای کاری.

اما در نهایت، این بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ نبود، چه رسد به بحرانی بزرگ‌تر از آن. تا حد قابل توجهی، این نتیجه چیزی بود که تحلیلگران آن را «تخریب تقاضا» (کاهش مصرف به دلیل نگرانی از قیمت یا عرضه) می‌نامند. این موضوع به ویژه در چین چشمگیر بود، کشوری که واردات نفت از طریق نفت‌کش‌ها را به حدود نصف کاهش داد و با این کار نه تنها بازارهای جهانی را تثبیت کرد، بلکه همان طور که خاویر بلاس، ستون‌نویس بلومبرگ اشاره کرد، قدرتِ سلاح‌گونه خود را بر بازارهای نفت به نمایش گذاشت. اما این وضعیت همچنین انعطاف‌پذیری قابل توجه سیستم‌های انرژی جهان را نشان داد؛ جایی که ذخایر استراتژیک به خوبی نقش خود را ایفا کردند و سرمایه‌گذاری‌های عظیم و اخیر در انرژی‌های تجدیدپذیر، حائلِ محافظِ دیگری در برابر کمبود سوخت‌های فسیلی فراهم کرد. و البته این را نیز نشان می‌دهد که تمام آن معامله‌گرانی که به نظر احمق می‌رسیدند و روی بازگشت به شرایط عادی و توانایی بازار برای هضم آشفتگی‌های کوتاه‌مدت حساب باز کرده بودند، واقعاً چیزهایی می‌دانستند.

۲. گذار به انرژی‌های سبز شتاب بیشتری گرفت. همانند زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی‌های اولیه حاکی از بازگشت به زغال‌سنگ به بهانه امنیت انرژی بود. و باز هم مانند همان مورد، پیش‌بینی‌ها بیش از حد بدبینانه از آب درآمدند؛ بازگشت به سوخت‌های فسیلی بسیار ناچیز و در حد صفر بود و چشمگیرترین جهش‌ها در دنیای انرژی مربوط به صادرات پنل‌های خورشیدی و خودروهای الکتریکی چینی بود. هر کسی که چشمانش را باز می‌کرد، خطرات جدید وابستگی به سوخت‌های فسیلی را می‌دید؛ نیاز به واردات مداوم، وابستگی به بازیگران خارجی برای تامین سوخت و اینکه چگونه ناهمواری‌های ژئوپلیتیک معاصر، باعث سه شوک انرژی در شش سال شده است. (اگر بیشتر به عقب نگاه کنید، این شاید چهارده‌مین شوک نفتی در ۶۰ سال گذشته باشد). در ۶۰ کشور، پس از چند سال که سیاست اقلیمی جدیدِ چندانی در هیچ کجای جهان دیده نمی‌شد، به سرعت ۲۰۰ سیاست اضطراریِ صرفه‌جویی در انرژی تصویب شد. آنچه در ابتدا ممکن بود مانند جنگی میان دولت‌های نفتی به نظر برسد، به یک محرک آشکار برای گسترش استفاده از جایگزین‌های انرژی در سراسر جهان تبدیل شد. پیش از جنگ، اصطلاح «امنیت انرژی» معمولاً به معنای نیاز به سوخت‌های فسیلی بود؛ اما پس از آن، به نظر می‌رسد این اصطلاح بیانگر آگاهی روزافزونی است که منابع تجدیدپذیر می‌توانند منابعِ بسیار امن‌تر و قابل اعتمادتری برای تامین انرژی باشند.

۳. ایالات متحده نمی‌داند چگونه در یک جنگ مدرن پیروز شود. فقط پیت هگست، وزیر دفاع در پنتاگون نبود که انتظار داشت این درگیری یک پیروزی نظامیِ آسان باشد. حتی کسانی که در ابتدای درگیری نگران خطرات یک جنگِ انتخابی در خاورمیانه بودند، بیشتر روی خطر هرج و مرج سیاسی داخلی در ایران تاکید می‌کردند. کمتر کسی هشدار داد که ارتش آمریکا در این نبرد متوقف شده و به بن‌بست خواهد رسید. و با این حال، اساساً همین اتفاق هم افتاد: نیروهای آمریکایی آسیب قابل توجهی به ارتش، برنامه هسته‌ای و زیرساخت‌های غیرنظامی ایران وارد کردند، اما از سوی دیگر متحمل تلفاتی شدند که به زعم مقامات، غیرقابل قبول بود؛ تا جایی که نیروهای آمریکایی از ترس حملات پهپادی و موشکی، پایگاه‌های محلی را تخلیه کردند. اینکه نسل جدیدی از پهپادهای ارزان قیمت توانست ترسناک‌ترین ارتش جهان را تا این حد بترساند و جریان یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های تجاری جهان را مختل کند، نشانه دیگری از این بود که ابرقدرت‌ها دیگر از یک مزیت طبیعی و غیرقابل نفوذ برخوردار نیستند (و با توجه به تمام صحبت‌های هگست درباره لزوم آزادسازی ظرفیت طبیعی "جنگ‌افروزی" آمریکا، این یک چرخش طعنه‌آمیز بود). شاید اکنون ایالات متحده این درس را بیاموزد و خود را متعهد به نوع جدیدی از تولیدات نظامی-صنعتی کند. اما این درس را آن قدر زود نیاموخت که بتواند در این جنگ پیروز شود.

۴. اما آمریکا همچنان قادر به ارتکاب جنایات جنگی آشکار است —وسپس طوری رفتار می‌کند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. حمله روز اول به مدرسه ابتدایی «شجره طیبه» در میناب احتمالاً به یاد ماندنی‌ترین اتفاق کل جنگ باقی می‌ماند؛ با بیش از ۱۷۵ کشته در چیزی که به نظر می‌رسید یک حمله دو مرحله‌ای باشد، که در آن موشک دوم زمانی شلیک شد که خانواده‌ها و نیروهای امدادی برای رسیدگی به کودکان کشته و مجروح در محل حاضر شده بودند. پنتاگون تا حدودی پذیرفته که مسئول این اتفاق بوده است، اما هیچ پاسخگویی عمومیِ واقعی درباره اینکه چگونه چنین حمله‌ای رخ داده یا چه کسی مسئول بوده (از جمله شاید یک سیستم هدف‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی) وجود نداشته است. من گمان می‌کنم که این حمله نتیجه هدف‌گیری خودمختار نبوده است، اما نگرانم که این پیش‌نمایشی از نحوه مدیریت جنگ در عصر هوش مصنوعی به طور کلی باشد —تمرکز کمتر بر تعیین مسئولیت نسبت به دوران‌های گذشته، و در عوض پذیرفتن حجم بالایی از تلفات جانبی به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیرِ "مه جنگ"، که به خودمان می‌گوییم به واسطه هوش ماشینی مه‌آلود ترهم شده است.

۵. ما هنوز در دنیای پسا-آمریکایی نیستیم، اما جایگاه آمریکا قطعاً رو به افول است. به محض اینکه ماجراجویی نظامی آمریکا به نوعی بن‌بست رسید و ایرانی‌ها پایگاه‌های منطقه را هدف قرار دادند و با ویدیوهای لگویی در تیک‌تاک جشن گرفتند، موجی از اظهارنظرها به راه افتاد که این جنگ نشانه پایان قدرت آمریکاست.

البته این همیشه یک اغراق بوده است. هیچ کشور دیگری در جهان نمی‌توانست جنگی انتخابی از این دست را بدون پیامدهای بین‌المللی بسیار شدیدتر پیش ببرد؛ چیزی که نشان می‌دهد ایالات متحده نه تنها یک هژمون ترسناک باقی مانده، بلکه هنوز هم از بسیاری جهات، دارو نظم بین‌المللی لیبرالی است که اخیراً برای تضعیف آن تلاش‌های زیادی کرده است. هیچ کشور دیگری نمی‌توانست متحدان خود را در چنین حمله بی‌دلیلی، آن هم حمله‌ای که اقتصاد کل جهان را تحت فشار قرار داد، تا این حد با خود همسو نگه دارد. هیچ کس دیگری نمی‌توانست بازبان بازی و فشار، بقیه جهان را متقاعد کند تا ذخایر استراتژیک سوخت خود را برای محافظت در برابر شوک یک جنگِ غیرضروریِ آمریکایی مدیریت کنند.

با این حال، همان طور که حتی یک تندروی ضد ایران مانند جان بولتون هم ترنیز آشکارا اعتراف می‌کند، این جنگ بدون شک باعث تحقیر آمریکاست. بخشی از این موضوع به اشتباهات تاکتیکی برمی‌گشت – یعنی این باور که حملات نقطه‌ایِ دقیق می‌توانند به اهداف استراتژیکی به وسعتِ تغییر رژیم دست یابند. اما بخش دیگر آن مربوط به قدرت دیپلماتیک و نظامی ایالات متحده است، که در ماه ژانویه بسیار ترسناک‌تر از امروز به نظر می‌رسید. و اگرچه بقیه جهان قطعاً از پایان یافتن درگیری خوشحالند، اما هیچ کس خارج از واشنگتن دی.سی. این توافق را یک پیروزی برای آمریکا نخواهد خواند.

۶. پیامدهای این جنگ برای اشاعه تسلیحات هسته‌ای کاملاً مبهم — و بسیار ترسناک است. در آغاز درگیری، درسی که قدرت‌های کوچک‌تر گرفتند کاملاً واضح به نظر می‌رسید: در حالی که توسعه یک سلاح هسته‌ای برای پلیس‌های جهان مانند یک تهدید به نظر می‌رسید، اما یک برنامه تسلیحات هسته‌ایِ بالغ می‌توانست به عنوان نوعی تضمین برای صلح و حتی کسب احترام عمل کند. در روزهای ابتدایی جنگ، فرانسه اعلام کرد که زرادخانه هسته‌ای خود را به طور اساسی مدرن و گسترش خواهد داد؛ لهستان اشاره کرد که ممکن است برنامه هسته‌ای خود را آغاز کند. به نظر می‌رسد برنامه هسته‌ای کره شمالی نیز در سال‌های اخیر برای این کشور اهرم فشار به همراه داشته است.

اما با طولانی شدن درگیری و قرار گرفتن جنگ اقتصادی در مرکز توجه، پیامدهای هسته‌ای نیز تغییر کرد. در ماه آوریل، رئیس جمهور سابق روسیه، دمیتری مدودف که اکنون نایب رئیس شورای امنیت این کشور است، اعلام کرد که «ایران سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش کرده است. نام این سلاح تنگه هرمز است. ظرفیت آن پایان ناپذیر است.» این مقایسه اغراق‌آمیز اما مدرعین حال روشنگر بود: این یک سلاح ارزان قیمت بود که می‌شد آن را واقعاً مستقر کرد، نه اینکه فقط با آن تهدید کرد، و حتی در برابر یک ابرقدرت نیز کارایی فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده بود. از نظر جغرافیایی، همه کشورها در موقعیت مناسبی مانند ایران قرار ندارند تا از قوانین جدید جنگ بهره ببرند، و در نهایت بسته شدن تنگه آن طور که بسیاری پیش‌بینی می‌کردند —یا احتمالاً ایران امیدداشت— اقتصاد جهانی را خفه نکرد. اما در مجموع به ایران اجازه داد که پیروز شود. و شاید به بقیه جهان آموخت که می‌توان نه تنها از طریق کلاهک‌های هسته‌ای، بلکه با استفاده از انبوه پهپادهای ارزان قیمت نیز به استقلال واقعی و خودمختاری نزدیک شد. شاید حتی بتوانید ایالات متحده را وادار کنید تا با غرامتِ نسبتاً سخاوتمندانه‌ای بپردازد.

نکته

هرمز؛ آزمون بزرگ دیپلماسی راهبردی تهران و مسقط

برگزاری نخستین نشست کمیته مشترک ایران و عمان درباره آینده تنگه هرمز را باید نقطه آغاز مرحله‌ای تازه در مدیریت یکی از مهم‌ترین آبراه‌های راهبردی جهان دانست؛ مرحله‌ای که در آن، تهران باید ضمن حفظ حقوق حاکمیتی و امنیتی خود، از ظرفیت روابط ممتاز با مسقط برای شکل‌دهی به یک نظم منطقه‌ای مستقل و بدون مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای بهره بگیرد. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی جهان است که بخش قابل توجهی از تجارت انرژی دنیا از آن عبور می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین قدرت ساحلی این آبراه، همواره امنیت آن را بخشی از امنیت ملی خود دانسته و طی دهه‌های گذشته نیز علی‌رغم شدیدترین فشارها، تحریم‌ها و تنش‌های نظامی، اجازه نداده جریان اصلی تجارت دریایی در این منطقه دچار اختلال پایدار شود. از همین رو، هرگونه گفت‌وگو درباره آینده مدیریت هرمز، ناگزیر باید جایگاه محوری ایران را به رسمیت بشناسد. در این میان، عمان جایگاهی متفاوت از بسیاری از بازیگران منطقه‌ای دارد. روابط تاریخی، اعتماد سیاسی متقابل و نقش سنتی مسقط در میانجی‌گری میان تهران و بازیگران غربی موجب شده است که این کشور بتواند شریک مناسبی برای تدوین سازوکارهای مشترک در حوزه امنیت دریایی باشد. تشکیل کمیته مشترک دو کشور نیز نشان می‌دهد که دو طرف ترجیح می‌دهند مسائل حساس تنگه هرمز ابتدا از مسیر گفت‌وگوهای دوجانبه و منطقه‌ای دنبال شود، نه از طریق طرح‌های تحمیلی قدرت‌های خارجی. در چنین شرایطی، نخستین اصل راهبردی ایران باید تثبیت این واقعیت باشد که امنیت تنگه هرمز کالایی وارداتی نیست. تجربه دو دهه گذشته نشان داده است که هرزمان حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس افزایش یافته، سطح تنش نیز بیشتر شده است. بنابراین تهران باید در مذاکرات با عمان بر این اصل تأکید کند که هرگونه سازوکار امنیتی باید بر پایه همکاری کشورهای ساحلی شکل بگیرد و نه برمبنای ائتلاف‌های نظامی خارجی که عملاً به رقابت‌های ژئوپلیتیکی دامن می‌زنند. در عین حال، مواضع اخیر وزیر خارجه عمان درباره مخالفت با دریافت عوارض اجباری از کشتی‌های عبوری، هرچند با استناد به حقوق بین‌الملل مطرح شده، لزوماً در تعارض با منافع ایران قرار ندارد. تهران نیز می‌تواند بدون ورود به مناقشه‌ای حقوقی بر سر اخذ عوارض، تمرکز خود را بر توسعه خدمات دریایی قرار دهد؛ خدماتی که هم مشروعیت بین‌المللی بیشتری دارند و هم می‌توانند منافع اقتصادی قابل توجهی برای دو کشور ایجاد کنند. در واقع، الگویی که عمان به آن اشاره کرده و پیش‌تر در تنگه‌های مالاکا و سنگاپور تجربه شده، می‌تواند مبنای همکاری‌های جدید باشد؛ از جمله ارائه خدمات هدایت دریایی، امداد و نجات، مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی، کنترل بحران‌های دریایی، مدیریت حوادث اضطراری، سامانه‌های هشدار سریع، پایش ترافیک دریایی و ارتقای زیرساخت‌های ناوبری. چنین خدماتی، در صورت ارائه داوطلبانه و با رعایت قواعد بین‌المللی، ضمن افزایش ایمنی کشتیرانی، درآمدهای جدیدی نیز برای کشورهای ساحلی ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر، ایران باید مراقب باشد که برخی پیشنهادهای ظاهراً فنی، به تدریج به بستری برای حضور دائمی بازیگران نظامی خارجی تبدیل نشود. استقبال عمان از مشارکت برخی کشورهای غربی در موضوع پاکسازی مین‌های دریایی با امنیت کشتیرانی، هرچند از نگاه مسقط اقدامی برای افزایش ایمنی تلقی می‌شود، اما تهران باید بر این اصل پافشاری کند که مسئولیت اصلی تأمین امنیت هرمز بر عهده کشورهای ساحلی است و هرگونه همکاری خارجی تنها در چارچوب توافقات مورد قبول این کشورها و بدون ایجاد حضور نظامی پایدار امکان‌پذیر خواهد بود. رویکرد هوشمندانه ایران در قبال عمان، نباید بر مبنای تقابل با مواضع این کشور تنظیم شود؛ بلکه باید بر مدیریت اختلافات از طریق گفت‌وگو استوار باشد. عمان طی سال‌های گذشته نشان داده است که حتی در شرایط پیچیده منطقه‌ای، کانال ارتباطی خود با تهران را حفظ کرده و در بسیاری از پرونده‌های حساس نقش میانجی قابل اعتمادی ایفا کرده است. حفظ این سرمایه سیاسی، برای جمهوری اسلامی اهمیت دریایی باشد. در عرصه دیپلماسی نیز تهران می‌تواند از مذاکرات جاری برای تثبیت چند اصل اساسی استفاده کند؛ نخست، به رسمیت شناختن نقش بی‌بدیل ایران در امنیت تنگه هرمز؛ دوم، توسعه سازوکارهای مشترک منطقه‌ای بدون وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛ سوم، گسترش همکاری‌های اقتصادی و خدمات دریایی میان ایران و عمان؛ و چهارم، جلوگیری از تبدیل مسائل فنی کشتیرانی به بستری برای اعمال فشارهای سیاسی یا امنیتی علیه جمهوری اسلامی. همچنین همکاری نزدیک‌تر با عمان می‌تواند فرصت مناسبی برای کاهش برخی فضاسازی‌های رسانه‌ای علیه ایران باشد. در سال‌های اخیر، برخی دولت‌های غربی تلاش کرده‌اند تصویر ناامنی از تنگه هرمز را توجیه کنند، حال آنکه آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد بخش عمده تجارت جهانی از این آبراه بدون اختلال جدی ادامه یافته است. همکاری فعال تهران و مسقط در حوزه ایمنی دریایی می‌تواند این روایت را نیز به چالش بکشد. در نهایت، راهبرد مطلوب جمهوری اسلامی ایران در برابر عمان نه سیاست امتیازدهی یک‌جانبه است و نه تقابل غیرضروری؛ بلکه ترکیبی از اقتدار، همکاری و واقع‌گرایی دیپلماتیک است. ایران باید با اتکا به موقعیت ژئوپلیتیکی، توانمندی‌های دریایی و جایگاه حقوقی خود، ابتکار عمل را در طراحی نظم آینده تنگه هرمز در دست بگیرد و همزمان با تقویت همکاری با عمان، اجازه ندهد این گذرگاه حیاتی به عرصه رقابت و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای تبدیل شود. چنین رویکردی می‌تواند ضمن تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی، امنیت پایدار، ثبات منطقه‌ای و استمرار جریان تجارت جهانی را نیز تضمین کند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت الکتروسامانه الوند (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۴۴۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۳۷۳۶۶۵

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ به آدرس تهران - خیابان استاد مطهری - نبش خیابان کوه نور - پلاک ۱ ساختمان رضا تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارشات هیات مدیره و بازرس قانونی و حسابرس شرکت در خصوص حسابها و عملیات سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

۲- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به صورت های مالی و عملکرد سال منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

۳- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس شرکت

۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی شرکت

۵- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

هیات مدیره شرکت الکترو سامانه الوند (سهامی خاص)

آگهی استفاده از حق تقدم افزایش سرمایه شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی استان چهارمحال وبختیاری (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۶۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۶۸۰۰۵۹۵۴۴

بدینوسیله به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی استان چهارمحال وبختیاری (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۳۱۵ می‌رساند که در اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ در خصوص افزایش سرمایه و باتوجه به اختیار تفویض شده به هیات مدیره در خصوص عملی نمودن افزایش سرمایه، مقرر گردید سرمایه شرکت از مبلغ ۱,۰۸۴,۴۲۹,۳۴۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۸,۴۲۲,۹۳۴ سهم ۱۰,۰۰۰ ریالی بانام به مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم ۱۰,۰۰۰ ریالی با نام از محل سود انباشته، آورده نقدی و غیر نقدی، اوراق بهادار، اعتبار دولتی (ملی -استانی) و ... افزایش یابد. لذا باتوجه به مواد ۱۶۶ و ۱۶۹ لایحه اصلاح قانون تجارت هر صاحب سهم دارای ۱/۷۶۶ حق تقدم نسبت به یک سهم مالکیت خود را دارا می باشد و با رعایت شرایط سلب حق تقدم در مجمع عمومی فوق العاده آن دسته از صاحبان سهم که مایل به استفاده از حق تقدم خود می باشند، لازم است از تاریخ نشر این آگهی حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز ضمن مراجعه به دفتر صندوق واطلاع از میزان قدرالسهم واریزی خود مبلغ مذکور را نزد حساب جاری بشماره ۴۴۷۶۳۹۴۲۶ نزد بانک کشاورزی شعبه جهاد کشاورزی استان با کد ۴۰۵۸ واریز و فیش آن را به هیات مدیره شرکت تحویل نمایند. بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر هیات مدیره شرکت مجاز خواهد بود نسبت به واگذاری باقیمانده سهام جدید به سایر متقاضیان اقدام نماید.

هیات مدیره صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی استان چهارمحال وبختیاری

آگهی دعوت نوبت دوم

چون جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۱ به حدنصاب نرسید برای بار دوم، بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت کشت و صنعت و مسکن فجر تامین پایدار (سهامی خاص) به شماره ثبت: ۴۷ شناسه ملی: ۱۰۱۰۰۰۳۸۵۰۳ دعوت بعمل می آید که راس ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۷ در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه در تهران - رودهن - ضلع غربی بلوار امام خمینی - پایین تر از اداره ثبت اسناد و املاک - نرسیده به بلوار لاله صحرا - مهدیه رودهن تشکیل می گردد، حضور بعمل رسانید.

دستور جلسه: انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسین و تصویب ترازسال مالی منتهی به ۱۴۰۴ و هر گونه تصمیماتی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه شرکت صنعتی بازرگانی رهروان توسعه عصر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۸۷ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۸۳۹۷۸

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت صنعتی بازرگانی رهروان توسعه عصر (سهامی خاص) و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه این شرکت که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۱ در محل بابل - خیابان امام خمینی - ایثار ۱۰/۱ - پلاک ۵۵۶ طبقه چهارم سالن کنفرانس ساختمان صندوق قرض‌الحسنه توسعه عصر شمال شعبه غدیر برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

الف) زمان: ساعت ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۱

مکان: محل بابل - خیابان امام خمینی - ایثار ۱۰/۱ - پلاک ۵۵۶ طبقه چهارم سالن کنفرانس ساختمان صندوق قرض الحسنه توسعه عصر شمال شعبه غدیر

ب) دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی

۲- بررسی و تصویب عملکرد و صورتهای مالی مربوط به دوره مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

۳- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اصلی و علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹

۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹ جهت درج آگهی شرکت

۵- تعیین حق حضور اعضا غیرموظف هیات مدیره

۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور می باشد.

هیات مدیره شرکت صنعتی بازرگانی رهروان توسعه عصر

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۴/۱۰ خ ش ۱۴۰۵/۴/۱۰

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تولیدی پوشاک روستا قهرود (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۶۱۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۱۶۱۳۸

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت دعوت میگردد در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که از ساعت ۱۰ الی ۱۳ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ در محل کارخانه این شرکت واقع در کاشان، روستای قهرود تشکیل میگردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره وبازرس قانونی

۲- بررسی و تصویب ترازنامه وحساب سود و زیان سال مالی ۱۴۰۴

۳- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۵

۴- تعیین روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت

۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

خ ت ۱۴۰۵/۴/۱۰

هیئت مدیره شرکت تولیدی پوشاک روستا قهرود

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده

جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان کردکوی به شماره ثبت ۴۳۷ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۴۵۰۰۴ در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۴/۲۴ در محل شرکت تعاونی عدالت شهرستان کردکوی به آدرس کردکوی خیابان جنگل سردار هجده بین بوستان ۶ و ۸ کدپستی ۴۸۸۱۸۳۵۳۷۶ تشکیل می گردد. لذا از کلیه نمایندگان محترم اعضاء تعاونی دعوت به عمل می آید جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- تغییر آدرس شرکت تعاونی از بلوار امام رضا شرقی خیابان ابن سینا یک به آدرس کردکوی خیابان جنگل سردار هجده بین بوستان ۶ و ۸

۲- تعیین روزنامه کثیرالانتشار به عنوان روزنامه علی البدل

لازم به یادآوری است که: *به همراه داشتن کارت شناسایی عکس دار معتبر جهت احراز هویت نمایندگان جهت حضور در مجمع الزامی است.

* این جلسه با حضور حداقل دو سوم از نمایندگان اعضاء رسمیت خواهد یافت.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۴۰۵/۴/۱۰

هیئت مدیره شرکت تعاونی عدالت شهرستان کردکوی

آگهی دعوت سهامداران شرکت حمل و نقل کویستان (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۱۴ و شناسه ملی ۱۰۶۱۰۰۱۱۰۳۷ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده و هیات مدیره

بدینوسیله از کلیه سهامداران و اعضای شرکت حمل و نقل کویستان (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسات مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده ساعت ۱۰ و جلسه هیات مدیره ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۱ که در محل آدرس دفتر مرکزی شرکت واقع در بیجار - سه راهی حسن آباد یاسوکند - روبروی مجتمع صبانور - کدپستی ۶۶۵۳۱۷۳۴۶۰ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده:

۱- انتخاب مدیران ۲- انتخاب بازرسین

دستور جلسه هیات مدیره:

۱- تعیین سمت مدیران ۲- تعیین دارندگان حق امضا

هیات مدیره و بازرس شرکت حمل و نقل کویستان (سهامی خاص)

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۴/۱۰ خ ش ۱۴۰۵/۴/۱۰

آگهی مجمع عمومی عادی نوبت دوم تعاونی مصرف فرهنگیان شهرستان قروه

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی مصرف فرهنگیان میرساند:

پیرو آگهی مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۳۰ باتوجه به عدم حصول حدنصاب قانونی نوبت اول مجمع عمومی عادی نوبت دوم رأس ساعت ۱۵ بعدازظهر روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ در محل کانون امام خمینی (ره) با موضوعات ذیل تشکیل میگردد.

۱- انتخابات بازرسان برای یک سال مالی به تعداد ۳ نفر

۲- استماع عملکرد هیات مدیره و بازرسان در سال مالی ۱۴۰۴

۳- تصویب بیلان و صورتهای مالی در سال ۱۴۰۴

۴- تصویب بودجه پیشنهادی برای سال مالی ۱۴۰۵

۵- اتخاذ تصمیم در خصوص تقسیم سود سرمایه سال مالی ۱۴۰۴ در بین اعضا

۶- تصویب پاداش و مزایای هیات مدیره و بازرسان و کارکنان در سال ۱۴۰۴

۷- تصمیم گیری در خصوص نحوه افزایش سرم